

نگاهی به جرم مطلق در حقوق کیفری افغانستان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۳/۱۸)

مسعود حقجو^۱

دانشیار گروه فقه و قانون، دانشکده الهیات، دانشگاه هرات-افغانستان

دکتر عصمت الله محمدی

استادیار گروه فقه و قانون، دانشکده الهیات، دانشگاه هرات-افغانستان

چکیده

در خصوص جرم مطلق بیشتر سابقه تاریخی آن بر می گردد به اندیشه های «ژرمی بنتام» از اندیشمندان مکتب کلاسیک حقوق جزا، که برای مرتکبین چنین جرایمی ضمانت اجرای جزایی در نظر داشت. امروزه با توجه به گسترش جرایم در حوزه های مختلف توجه خاصی به این مسایل شده است؛ که منوط بودن جرم به وقوع و تحقق رفتار مادی (فیزیکی) آن، به عنوان اصلی ترین بخش از رکن مادی جرایم، برای تفکیک این نوع جرایم معرفی شده است. جرایم به لحاظ عنصر مادی جرم از جهت تحقق نتیجه مجرمانه، به جرایم مطلق و مقید تقسیم بندی می شود. در این تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده در صدد پاسخگویی به این پرسش است که مصادیق جرم مطلق در حقوق کیفری افغانستان کدام ها می باشد؟ هدف این تحقیق انعکاس جرم مطلق در حقوق کیفری افغانستان است. نتایج تحقیق نشان می دهد که مقنن، جرایم را با توجه به نتیجه مجرمانه، به مطلق و مقید دسته بندی نموده است. در جرایم مطلق حصول نتیجه مجرمانه مورد نظر قانون گذار شرط نیست؛ و مرتکب جرم مستحق مجازات کامل شناخته می شود. اما در جرایم مقید حصول نتیجه جرم شرط می باشد. جرایم مطلق دارای ویژگی های چون مطلق بودن، غیر قابل گذشت، بازدارندگی و مجازات شدید می باشد. بارزترین جرایم مطلق در حقوق کیفری افغانستان می توان در حوزه جرایم امنیت داخلی و خارجی، زیست محیطی، اموال و مالکیت و فساد اداری اشاره کرد.

واژگان کلیدی: جرم مطلق، جرم مقید، رفتار مجرمانه، نتیجه مجرمانه، کود جزا، حقوق

جزا افغانستان

^۱ نویسنده مسؤول

بخش اول: کلیات

به طور کلی در حقوق جزا، هر جرمی به صورت جداگانه تعریف و عناصر تشکیل دهنده آن بررسی می شود که این امر سبب تفاوت جرایم از یکدیگر می شود. حقوق دانان، غالباً در تقسیم بندی های خود از جرایم، به آثار زیان بار فعل مجرمانه توجه کرده، جرایمی را که خسارات حاصل از آنها به طور کلی دارای جهت مشترکی است که در یک گروه جای داده اند. حقوق دانان با تقسیم بندی جرایم به مطلق و مقید میان انواع جرایم تفاوت قائل شده اند. جرایم مقید به جرایم اطلاق می شود که برای وقوع آنها علاوه بر رفتار فزیک (مادی) تحقق عمل دیگری به عنوان نتیجه جرم، برای تکمیل رکن مادی آن لازم و ضرورت است. در مقابل، جرم مطلق که قسمت قابل توجهی از جرایم را تشکیل می دهند و به جرایم اطلاق می شود، که برای تحقق آنها، صرف احراز وقوع رفتار مادی برای تحقق جرم کافی است و نیازمند عمل دیگری به عنوان نتیجه جرم نمی باشد. معیار تشخیص جرم مطلق و مقید در نیاز داشتن نتیجه و عدم نتیجه است، یعنی اگر تحقق جرمی نیاز به نتیجه جرمی داشته باشد مقید نامیده می شود و اگر نیاز به نتیجه نداشته باشد مطلق خواهد بود.

امروزه با توجه به گسترش جرایم در حوزه های مختلف توجه خاصی به این مسایل شده است؛ که منوط بودن جرم به وقوع و تحقق رفتار مادی (فزیک) آن، به عنوان اصلی ترین بخش از رکن مادی جرایم، برای تفکیک این نوع جرایم معرفی شده است؛ که متأسفانه این رویکرد غلط در نظرات برخی از حقوق دانان هم مشاهده می شود. در صورت پذیرش این معیار، تمام جرایم مقید تلقی خواهند شد و صحبت از جرایم مطلق بی معنی می باشد؛ زیرا بدیهی به نظر می رسد که تحقق همه جرایم منوط به وقوع رفتار مادی آنها باشد.

بنا بر این، جرم مطلق به جرایمی گفته می شود، که قانون گذار نفس عمل ارتكابی را جرم دانسته که در آن تحقق یا عدم تحقق نتیجه اهمیتی ندارد. از مصادیق بارز جرم مطلق در نظام کیفری افغانستان می توان به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، رشوه، جعل پول، تهدید و تزویر اسناد اشاره نمود. بناءً در این تحقیق به بررسی تفکیک جرایم مطلق و مقید، عناصر، و ویژگی ها و مصادیق جرم مطلق در نظام کیفری افغانستان پراخته خواهد شد.

بخش دوم: مفهوم جرم مطلق و تفاوت آن با جرم محال مطلق

بند اول معنی لغوی

لفظ مطلق در لغت به معنی آزاد و رها، بی قید و ضد مقید می‌باشد (طرقی، بیتا: ۴۸). فرهنگ عمید مطلق را آزاد و رها، بی قید، ضد مقید، خود کامه و خودسر بیان نموده است (عمید، ۱۳۶۰: ۹۵۳). در کتب اصول فقه مطلق این گونه تعریف شده است: «مطلق لفظی است که بر مدلول کلی در جنس خود دلالت دارد. و یا به عباره دیگر، لفظی است که بدون هر نوع قیدی لفظی، بر فرد یا افراد غیر معینی دلالت دارد». (زیدان، ۲۸۶: ۱۳۸۹).

بند دوم: معنی اصطلاحی

اما در معنی اصطلاحی خویش نیز همان معنای لغوی آزاد و رها، بی قید و ضد مقید بیان را افاده می‌کند. برخی مطلق را عبارت از «لفظی که در قانون به کار رفته و دلالت بر ماهیت و گوهری چیزی نماید، بدون این که به همه یا بعضی نمونه های آن چیز، توجه داشته باشد» تعریف نموده اند (طرقی، بیتا: ۴۸). مانند کلمه «عقد» در ماده ۴۹۷ قانون مدنی افغانستان؛ قانون- گذار فقط ماهیت عقد را بیان نموده و هیچ توجه به شمول این کلمه نسبت به نمونه های مختلف آنرا ندارد. تعداد کمی از جرایم وجود دارد که ممکن است بدون سوءنیت، با در نظر گرفتن حد اقل یک جنبه از عنصر مادی ارتکاب می‌یابد، که این جرایم به مطلق معروف اند و بیشتر آنها به وسیله قانون ایجاد شده است (الیوت و دیگران، ۸۱: ۱۳۹۱). و این قبیل جرایم بدست آوردن نتیجه مورد نظر مجرم در آنها تأثیر گذار نیست. به عباره دیگر، جرم مطلق آن دسته از جرایم می‌باشد که صرف نظر از هدف و مقصود مرتکب جرم و حتی قبل از بدست آوردن نتیجه مورد نظر، مستحق مجازات کامل جرم از نظر قانون گذار شناخته شده اند (نبوی، ۱۳۸: ۱۳۹۶).

بند سوم: تفاوت جرم مطلق با جرم محال مطلق

جرم محال، جرم ناقصی است که حصول نتیجه به دلیل عدم فقدان شرایط لازم قانونی یا عدم کفایت وسیله‌ی به کار رفته شده، ممتنع بوده و از این حیث، جرم محال قابل تحقق نیست (میرزایی برزی، ۱۴۱: ۱۳۹۳).

مقنن افغانستان، در ماده ۵۰ کود جزا به تعریف جرم عقیم و مستحیل پرداخته است: «اجرای عمل به قصد ارتکاب جنایت یا جنبه‌ی که نتیجه آن از رهگذر عوامل مربوط به موضوع جرم

یا استعمال وسایل، عقیم یا مستحیل باشد، در حکم شروع به جرم شناخته می‌شود؛ مشروط بر این که باور مرتکب در احداث نتیجه جرمی ناشی از اشتباه یا جهالت مطلق نباشد». با توجه به تعریف ذکر شده، به طور مختصر تفاوت جرم مطلق و جرم محال مطلق را چنین می‌توان گفت:

- جرم محال مطلق به دلیل عدم شرایط لازم قانونی، جرم محقق نمی‌شود. مانند تیراندازی به کسی که قبلاً مرده است. اما در جرم مطلق، شرایط قانونی آن فعل مجرمانه‌ای به محض ارتکاب عمل واقع شده جرم تحقق می‌یابد. بنا براین جرم عقیم و محال منحصر به جرایم مقید است، و در جرایم مطلق برخلاف جرم مقید، نیاز به تحقق نتیجه جرمی نمی‌باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۸۲: ۱۳۹۸).
- در جرم محل مطلق، ممکن است وسیله‌ای که برای عمل ارتکاب جرمی بکار رفته است فاقد اثر باشد؛ مانند هدف‌گیری با تفنگ خالی، یا خوراندن داروی شفا بخش به قصد سم دادن و سلب حیات دیگری. اما در جرم مطلق ارتکاب عمل خاص یا به کار بردن وسیله خاص که فاقد اثر باشد، صرف نظر از تحقق نتیجه آن موجب ارتکاب جرم می‌شود. مانند جرم استخدام اشخاص، تهیه اموال یا تجهیزات نظامی برای دولت خارجی در حال جنگ.
- برای تحقق هر یک از جرایم نا تمام، باید مجرم شروع به اجرای جرم مورد نظر نماید؛ اما به علت حدوث وقایع و اموری که کاملاً خارج از اراده و قدرت وی است نتایج مورد نظر حاصل نمی‌گردد. اما در جرایم مطلق، حدوث و وقایع تحت اراده مرتکب فعل است (فتحی، و رهدارپور، ۱۲: ۱۳۹۱).

بخش سوم: سابقه جرم مطلق در حقوق کیفری افغانستان

در خصوص جرم مطلق بیشتر سابقه تاریخی آن بر می‌گردد به اندیشه‌های «ژرمی بنتام» از اندیشمندان مکتب کلاسیک حقوق جزا، که برای مرتکبین چنین جرایمی ضمانت اجرای جزایی در نظر داشت. بنتام به منظور از بین بردن زمینه وقوع جرایم و تعدیل گرایش‌های خطرناک، توصیه‌هایی را به عنوان اقدامات مکمل جزا مطرح کرد؛ به نظر وی اهمیت جرایم ارتكابی با توجه به درجه و فساد که به آنها مرتب می‌شود ارزیابی نمی‌شود؛ بلکه با توجه به

خطرهایی که به دنبال خواهد داشت مورد سنجش قرار می‌گیرد. بدین صورت، بنتام عقیده به جرم دانستن انحرافات داشت که زمینه ساز جرایم محسوب می‌شوند تا بدین وسیله جرایم افزایش می‌یابد؛ و بدین صورت انحرافات زمینه ساز جرم تحت عنوان حالت خطرناک مورد مجازات قرار گرفت و مقدمات ساده اعمال ضد اجتماعی، که گاهی انحراف محسوب می‌شوند در اثر برداشت‌هایی از مفهوم حالت خطرناک صورت می‌گیرد، در قالب جرایم خاص وارد قوانین کیفری کشورها من جمله افغانستان شد.

بند اول: نظامنامه جزای عمومی مصوب (۱۳۰۲)

در نظامنامه جزای عمومی تعریفی از جرم مطلق دیده نمی‌شود؛ اما مصادیق آن جرم انگاری شده است. قانون‌گذار رفتار جرم مطلق را، محقق به نتیجه آن بیان نکرده است؛ به عنوان مثال در این نظامنامه، جرایم امنیت داخلی و خارجی افغا- نستان را به عنوان مصداقی از این جرایم اشاره کرد. مواد قانونی (۳۰ تا ۴۰) نظامنامه فوق، به بیان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی می‌پردازد؛ در ماده ۳۶ این قانون آمده است: «هرکس عسکر افغان را به فرار کردن به سوی دشمن تشویق و اغوا نماید به مجازات اعدام محکوم می‌شود». بناءً برای مقنن فرقی نمی‌کند این تشویق باعث ملحق شدن عساکر افغانستانی به دشمن می‌شود یا خیر؟ ولی برای محرک این عمل شدیدترین نوع مجازات را در نظر گرفته است.

بند دوم: نظامنامه جزای عمومی مصوب (۱۳۰۷)

با توجه به مواد قانونی این نظامنامه خبری از تعریف جرم مطلق نیست؛ و صرف مقنن به بیان مصادیق آن پرداخته است. به عنوان مثال در ماده (۱۷) بیان شده «اشیائی که اعمال و استعمال و نقل و محافظه و بیع آن جرم را به وجود می‌آورند، اگر فاعل جرم تعلیق نداشته باشد هم مطلقاً از طریق دولت ضبط و مصادره می‌شود». برای مقنن فرقی نمی‌کند که در نتیجه استفاده اشیاء منجر به نتیجه جرمی، می‌شود یا خیر. همین که این اشیاء در نزد شخص موجود باشد توسط دولت ضبط و مصادره می‌شود.

همچنان در ماده (۳۸) در باب جدا ساختن اراضی افغانستان برای تأسیس دادن یک اداره مستقل و جدا از اداره دولت مجازات مرتکب آن اعدام می‌باشد. این عمل جزء جرایم مطلق می‌باشد صرف اقدام به چنین عملی مجازات سنگینی را در پی خواهد داشت و نیاز به نتیجه

تقسیم اراضی نمی باشد. و یا در ماده (۴۲) آن، برای مرتکبین فعل بغاوت مجازات حبس ۱۵ سال را در نظر گرفته است؛ بناءً صرف سعی و تلاش برای جرم بغاوت، عمل شان مجرمانه شناخته شده و نیاز به نتیجه جرمی ندارد.

بند سوم: قانون جزای سال ۱۳۵۵

قانون جزای (۱۳۵۵) محصول مبارزات اولین رئیس جمهور افغانستان (محمد داود خان) می- باشد. در این قانون مثل قوانین سابق کیفری افغانستان از جرم مطلق تعریفی ارائه نشده است؛ اما مصادیق و مجازات های مرتکبین آنرا بیان نموده است. به عنوان مثال در در ماده (۱۸۱) قانون جزا آمده است: «هرگاه شخصی عساکر را به داخل شدن به خدمت زیر بیرق دولت خارجی که با دولت افغانستان در حالت جنگ قرار دارد تحریک نماید و یا زمینه آنرا آماده سازد و یا به نحوی از انحاء به جمع آوری عساکر، اشخاص، اموال، تجهیزات یا وسایل یا به اتخاذ تدابیر به نفع دولت در حال جنگ با افغانستان بپردازد، به اعدام محکوم می گردد».

تحریک عساکر و منسوبین قوای مسلح کشور به داخل شدن زیر پرچم و بیرق کشور خارجی در حال جنگ با دولت افغانستان، فرقی نمی کند که تحریک از طریق سخنرانی و گفتار مستقیم باشد یا از طریق رسانه های اطلاعات جمعی و همگانی. مانند رادیو و تلویزیون و مطبوعات، و یا به وسیله پیام های تلفنی. مقنن در این ماده (محرک) جرم را به طور مطلق، عنصر مادی جرم دانسته و مقید به ابزار خاصی نکرده است (حبیبی، ۱۴۸: ۱۳۹۶).

هم چنین ماده (۱۹۸) قانون جزا بیان می دارد: «شخصی که بدون اجازه مقامات مربوطه در فضای افغانستان پرواز نماید، به حبس قصیر و یا جزای نقدی که از پنجاه هزار افغانی بیشتر نباید و یا به یکی از این دو به جزا محکوم می گردد». پرواز بدون اجازه در فضای افغانستان، داخل شدن در اماکن نظامی، و عکس گرفتن از اماکن ممنوعه نظامی رکن مادی این جرم است. صرف پرواز و دخول که بدون اجازه مقام صلاحیت دار، صورت پذیرد، موجب تحقق رکن مادی جرم می شود.

بند چهارم: کد جزا مصوب ۱۳۹۶

قوانین کیفری در افغانستان از گذشته های دور به صورت پراکنده تدوین و به تصویب حاکمان زمان قرار می گرفت. اما این رویکرد از سال ۱۳۸۲ تغییر، و حکومت بخاطر منظم و یکجا بودن

قوانین کیفری، قانون جزا را با یکسری تعدیلات و ایزادات در قالب کد جزادر سال ۱۳۹۶ توسط کابینه به تصویب رساند. اما رویکرد مقنن در خصوص جرایم مطلق به مانند قانون جزای مصوب ۱۳۵۵ می باشد با این تفاوت، که بعضی از جرایم دیگری که در قانون جزای قبلی وجود نداشت آنها را هم جرم انگاری نموده است که در این مقاله به مهمترین آنها پرداخته می شود. اما پیش از آن به مبانی، ویژگی های جرم مطلق اشاره ای کوتاهی خواهد شد.

بخش چهارم: مبانی جرم مطلق

مبناء، یعنی بنا و ریشه چیزی؛ پایه و بنیان یک چیزی را هم گویند (عمید، همان: ۱۰۴۸). و در تعریف دیگری آمده است؛ مبناي حقوق پایه و دلیل نیرویی است که آن قواعد در جامعه وجود دارد (کاتوزیان، ۱: ۱۳۸۰). قواعد حقوقی و جزایی، مشروعیت و الزام آور بودن خود را از یک سلسله مبانی اخذ می کنند، طوری که ظاهر اقوال حقوق دانان و فیلسوفان استنباط می شود، آنان سعی می کنند که پایه و سرچشمه ی مشروعیت و وضع قواعد حقوقی را آشکار سازند. بنا براین، مبانی حقوق از نظر آنان همان ریشه ها و پایه های پنهان حقوق و جزا تلقی می گردد. زمانی که از مبانی جرم انگاری صحبت می شود منظور اینست که بر چه پایه و اساسی در مورد فعل خاصی فرآیند جرم انگاری از طرف مقنن صورت می گیرد؟ و مبناي جرم انگاری در آن مورد خاص که مقنن پیش بینی کرده است چه چیزی است؟

در مجموع، این که اصول و مبانی جرم انگاری کدام ها هستند اختلاف نظر وجود دارد، و براساس مسلک فکری و نوع رژیم سیاسی و ساختار قدرت و سازکار اجتماعی متفاوت است؛ که مهم ترین این اصول عبارت اند از:

بند اول: اصل پدرسالاری حقوقی

پدرسالاری از کلمه «پدر» گرفته شده که به معنای «رفتار کردن مانند یک پدر با فرد دیگری، مثل یک بچه رفتار کردن» می باشد. به عبارت دیگر، پدرسالاری به معنای عمل کردن به صلاح و خیر دیگران بدون رضایت شان است؛ همان قسم که پدر و مادر با اطفال خود رفتار می کنند (نجفی توانا، ۱۵۲: ۱۳۹۲).

دائرة المعارف راتلج نیز چنین گفته است: «اگر شخصی با فرد کلان سالی چنان رفتار کند که گویی پدر با طفلش رفتار می کند، رفتار وی پاترنالیستی است» (یزدیان جعفری، ۶۸: ۱۳۹۴).

پاترنالیزها (طرفداران پدرسالاری) گروهی بودند که منافع مردم از جمله زندگی، سلامتی و آسایش را بر آزادی‌شان ترجیح می‌دادند؛ بر این مبناء بود که آن‌ها به این نظریه معتقد بودند که می‌توانند تصمیمات عاقلانه و درستی برای مردم بگیرند. پدرسالاری در هر عرصه‌ای از زندگی از جمله نگهداری اطفال، آموزش و صحت خود را نشان می‌دهد. ولی در حقوق جزا این موضوع بحث برانگیز و قابل مناقشه است. بحث پدرسالاری در حقوق به این معنا است؛ که دولت جهت جلوگیری از ضرر رساندن افراد به خودشان، یکسری رفتارهایی رت وصف مجرمانه می‌دهد و مردم را در برابر خودشان مورد حمایت و حفاظت قرار می‌دهد. در واقع قانونگذار با این روش در صدد جلوگیری افراد از ایراد ضرر به خود است؛ مطابق این اصل، برخی افراد نمی‌توانند واقعیت امور را آن‌گونه که هست درک نموده، و برنامه زندگی خویش را تنظیم کنند. این افراد نیز به حمایت و مداخله دولت نیاز دارند، تا حکومت از طریق حقوق جزایی آنها را از آسیب رساندن به خود باز دارد (همان، ۱۵۳). بنا براین، دولت رفتاری را ممنوع می‌کند و به آن خصیصه جزایی می‌دهد و با اِعمال جزا در صدد سرکوب آن بر می‌آید (آقابابایی و رضایی زادفر، ۱: ۱۳۹۳). مانند جرایم امنیت داخلی و خارجی و قاچاق مواد مخدر؛ که این جرایم اکثراً مطلق محسوب می‌شوند و دولت پاسخ شدیدی در قبال این جرایم از خود نشان می‌دهد؛ و برای جلوگیری از ضرر رساندن به افراد جامعه عنصر مادی این جرم را وصف مجرمانه می‌دهد. قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای جزایی وضع می‌کند. به عنوان مثال، فقره اول ماده ۳۰۹ کود جزا بیان می‌دارد: «شخصی که با داشتن علم، وسایل یا تجهیزات اختصاصی برای تولید یا ساخت مواد مخدر و مواد روان‌گردان را تهیه، حمل و نقل، تورید، صدور، خرید و فروش یا توزیع کند یا آن را در حیات خود داشته باشد، به حد اکثر حبس متوسط و مصادر وسایل و تجهیزات مربوط به جرم محکوم می‌گردد». مطابق نظریه پدرسالاری قانون‌گذار برای جلوگیری از ضرر رساندن فرد مرتکب به خود که باعث مجازات و سلب آزادی او، و هم‌چنان برای جلوگیری از ضرر جامعه این مجازات را مقرر کرده است. این جرم، از نوع مطلق می‌باشد؛ و تنها تهیه، حمل و نقل، تولید، صادرات کردن، خرید و فروش، توزیع مواد مخدر و روان‌گردان یا در تصرف خود داشتن

برای تحقق این جرم کفایت می‌کند، و لازم پنداشته نمی‌شود که برای هر کدام این‌ها رفتاری مادی، نتیجه مجرمانه ای خاصی تحقق یابد.

بند دوم: اصل اخلاق‌گرایی

یکی از مبانی جرم‌انگاری جرایم مطلق، « اصل اخلاق‌گرایی قانونی » است. که هدف آن توجیه مداخله جزایی در حوزه ی جرم‌انگاری است. این نظریه در پی اصالت بخشیدن به اخلاق به ما هو، اخلاق است. طبق این اصل، ضرر رساندن و ایراد ضرر به دیگری، تنها ملاک و معیار انحصاری جرم‌انگاری قلمداد نمی‌شود؛ بلکه به این خاطر که نفس فعل خطاکارانه مخالف با اخلاق می‌باشد. آن فعل قابل جزا دانسته شده، و دولت وظیفه دارد که برای حفظ امنیت و محافظت از شهروندان، حتی به «صرف ذاتاً غیر اخلاقی بودن یک رفتار و عمل» آن را جرم‌انگاری بنماید؛ حتی اگر منجر به ضرر رساندن یا مزاحمت به دیگری نشده باشد(حاجی ده آبادی و دیگران، ۵۰: ۱۳۹۲).

اخلاق‌گرایی قانونی به عنوان یکی از اصول جرم‌انگاری زمینه اعمال مجازات را به منظور باز داشتن افراد، از ارتکاب اعمال غیر اخلاقی فراهم می‌سازد. مطابق این اصل، غیر اخلاقی بودن- گونه‌ی خاصی از رفتارها دلیل مناسب و خوبی، هر چند لزوماً تعیین‌کننده در جهت اعمال جزا خواهد بود. جامعه برخی از ارزش‌ها را دارای چنان اهمیت می‌داند که رفتارهای ناقض آنها را، ولو آن که هیچ ضرری به خود فرد و یا دیگران وارد نکرده باشند در قالب جرم، ممنوع اعلام می‌کند. مانند جرایم مطلق؛ که قانون‌گذار برای جلوگیری از هر نوع ضرر و زیان احتمالی در قبال جامعه و دولت، فعل مجرمانه را جرم پنداشته و مقنن منتظر نتیجه مجرمانه و رابطه سببیت نمی‌باشد. به عنوان مثال: جرم جعل و تزویر در زمره جرایم مطلق است و برای آن تحقق آن، حصول ضرر و زیان به عنوان اثر و نتیجه درعالم خارج لازم نیست(منصورآبادی و فتحی، ۲۸۳: ۱۳۹۸). و یا تزویر سند، حتی بدون استعمال آن، نشان دهنده قصد مجرمانه است؛ و حصول نتیجه مجرمانه یعنی استعمال سند مزور، مربوط به نتیجه تزویر نمی‌باشد. یا اینکه در تحقق جرم تزویر لازم نیست که از آن سند حتماً شخص (تزویر کننده)، استفاده نماید. مطابق اصل اخلاق‌گرایی قانونی، رفتار غلط، خود به خود جدا از این که برای دیگران ضرر داشته یا نداشته باشد، دلیل مناسب برای تحمیل مجازات جزایی است. واقعیت

این است که استعمال مواد مخدر کاری نادرست است؛ توجه غیر اخلاقی بودن استعمال مواد مخدر، جدا از مضر بودن یا نبودن آن برای افراد جامعه، آن است که استعمال آن بر هوشیاری و سلامت انسان تأثیر منفی دارد. وظیف حقوق جزا این است که از شخصیت افراد محافظت نماید. به همین ترتیب اعتراض مردم نسبت به استعمال تفریحی و غیر قانونی مواد مخدر مبتنی بر همین اخلاق گرایی است. اما از جهت مطلق و مقید بودن جرایم، مواد مخدر در بعضی از موارد رفتاری مادی آن، مانند قاچاق مواد مخدر در ماده (۲۹۹) کود جزا، از نوع جرم مطلق بیان شده است؛ به قسمی که فقط کشت و زرع تریاک به قصد تولید تریاک، باعث تحقق رفتار مادی آن می گردد. و لازم نیست که حتماً از شاخه تریاک، تریاک نیز برداشت گردد، و موارد مطلق بودن این جرم عبارت اند از: «کشت، تولید، تهیه، پروسس، نگهداشت، ذخیره کردن، عرضه نمودن و مخفی کردن» و مابقی موارد آن از جرم مقید است مانند: «خرید، فروش، توزیع، کمیشن کاری، وارد، صادر کردن، حمل و نقل مواد مخدر». با در نظر گرفتن مجموع مطالب فوق می توان اخلاق گرایی قانونی را به مثابه اصل دانست، که ذیل آن جرم انگاری بعضی از اعمال مانند جرایم که نتیجه رفتار مجرمانه مد نظر قانون گذار نیست با تکیه بر غیر اخلاقی بودن رفتار، حتی این که موجب ضرری به خود یا دیگری نشود، ضروری دانست.

بند سوم: عدالت

مکتب عدالت مطلق به کلی منکر اهداف فایده جویانه مجازات هستند. کانت از اندیش مندان این مکتب معتقد است؛ که مجازات هدفی ندارد جز آنکه تعادل روانی مجرم را که در اثر ارتکاب جرم به هم خورده است مجدداً ترمیم نماید. کانت می گوید: «ضرر وارده از طرف مجرم قابل جبران نیست، مگر به وسیلهی مجازات اعمال شده بر علیه او» مطابق نظر کانت قصاص حد مطلوب اجرای عدالت اجتماعی است (توفیق، ۱۳۹۵: ۷۱). اصول اولیه ای که به موجب آن، جزا به جبران نقص ضوابط اخلاقی و حدود آن ایجاد توازن بین جزا با خطای ارتكابی است؛ به وسیله تئورسینهای رژیم قدیمی حقوق جزا که شدت مجازاتها و خصوصیت مستبدانه آنها را توجه می ساختند نیز پذیرفته شده بود. ولی به طور کلی مکتب کلاسیک و رژیم قدیمی حقوق جزا با این انتقاد مواجه بودند؛ که آنها بر جزای بیش از آنچه که عدالت اقتضا داشته متکی بوده و نفع جامعه را در نظر نمی گرفتند. در نتیجه می توان

گفت که مکتب کلاسیک ترکیبی از سودمندی مجازات و عدالت مطلق است. طرفداران مکتب مزبور معتقدند، که «انسان با اراده کامل و سنجش قبح نتایج اعمال خود مرتکب جرم میشود؛ لذا به اقتضای عدالت و به منظور تنبیه و ارعاب دیگران و تأمین دفاع اجتماعی باید مجازات گردد». مکتب کلاسیک فقط به عمل انجام شده یعنی جرم توجه دارد، و به هیچ وجه مجرم را از لحاظ جسمی و روحی مورد ملاحظه قرار نمی‌دهد. این مکتب که از عقاید بکاریا، بنتام و کانت الهام گرفته است؛ در تدوین قوانین جزایی بعضی ممالک مثل فرانسه تأثیر کلی داشته است. تحت تأثیر عقاید مکتب کلاسیک، که معتقد به دفاع اجتماعی و ارعاب دیگران، از طریق اعمال مجازات نسبت به بزهکار است؛ قوانین جزایی بسیار شدیدی تدوین گردید و عدالت دست‌خوش خشونت شد. تا آنجا که عده‌ای از صاحب‌نظران، مخالفت نموده و زمینه را برای ظهور مکتب جدیدی آماده ساختند؛ که به نام مکتب نئو کلاسیک معروف گردید (گلدوزیان، ۵۲: ۱۳۸۵). هر جامعه برای ادامه‌ی حیات خود نیازمند امنیت، و جهت رسیدن به کمال انسانی، همواره محتاج عدالت است. یقیناً بدون امنیت، هیچ جامعه‌ای در مسیر تحول و دگرگونی قرار نمی‌گیرد؛ و هر تحولی بدون عدالت برای جامعه بشری کم ارزش است. صرف رشد و ترقی مادی هرگز انسان‌ها را به سر منزل مقصود نمی‌رساند. به نظر نویسنده گان قانون جزای فرانسه، قانون جزایی با ضمانت اجرای مقرر خود، نظام ارزش‌های یک جامعه را بیان می‌کند؛ که این ارزش‌ها در قالب ممنوعیت متجلی می‌شوند (رمون، ۶۲: ۱۳۷۹). قانون‌گذاران باید به مقتضای فرهنگ حاکم بر جامعه و با توجه به ارزش‌ها و نیازهای مردم، و نیز نیازهای که برای رشد و ترقی در آینده فرا روی جامعه می‌باشد، با وضع قوانین برای دولت و مردم تکالیفی را معین می‌سازند. قانون‌گذار مسئول و آگاه می‌کوشد، در فرآیند قانون‌گذاری، ضرورت‌ها را برای برقراری امنیت و عدالت بیابد؛ و باید‌ها و نبایدها را بر اساس همین ضرورت‌ها، کشف، و برای آن مقررات لازم را وضع کند. روی این ملحوظ جرم‌انگاری جرم مطلق بر اساس ارزش‌ها و فرهنگ حاکم بر جامعه صورت می‌پذیرد (گلستانی، ۳: ۱۳۸۶).

بند چهارم: اصل ضرر

بر اساس اصل ضرر، تنها رفتارهای باید از طرف جامعه ممنوع و مجازات گردند، که ضرر و زیان مادی و خارجی به دیگر اشخاص وارد شود. معیار جرم انگاری اصل ضرر ریشه در افکار «جان استورات میل» دارد. او برای نخستین بار به بیان مبانی اصل ضرر و نقد ساختار حقوقی حکومتی پرداخت. مطابق این نظریه، دولت زمانی می تواند آزادی های افراد را تهدید کند، که رفتار های افراد به دیگران آسیب وارد کند. به نظر استارت میل، تنها چیزی که در قبال آزادی های شهروندان می تواند قرار گیرد، محافظت از خود است. تنها در موردی می توان از اعمال قدرت علیه خواست آزادانه هر عضو جامعه استفاده کرد که با این مداخله بتوان مانع از وارد شدن صدمه به دیگران شد. بنا براین، سود رساندن به سایرین نمی تواند مجوزی برای این محدودیت باشد. بر این اساس تنها دلیل اخلاقی برای آنکه جامعه بتوان آزادی یکی از اعضای خود را محدود کند، این است که مانع آسیب و ضرر مستقیم به دیگران شود (برهانی، ۱۰۸: ۱۳۹۴). اعمال که به طور مستقیم به دیگران صدمه نمی زند اعمال مربوط به خود، و اعمال که به طور مستقیم به سایرین ضرر می زند اعمال مربوط به دیگران نامیده می شود. و هدف دومی، تنها هدف قانونی نظارت حقوق و اجتماعی است. تنها دغدغه ی اصل ضرر، آسیب به سایرین است و اساساً دفاع از امور انتزاعی و ماورایی و یا حتی دفاع از خود مرتکبین و یا سود رساندن به شهروندان مجوزی برای جرم انگاری محسوب نمی شود. همین مبناء، بعدها در اوایل دهه ۱۹۵۰م. مورد پذیرش کمیته «ولفندن» قرار گرفت. و بر اساس این نظریه به مجلس انگلستان پیشنهاد شد که از زنان همجنس باز و روسپی گری جرم زدایی شود و تنها رفتار علنی افراد مورد روسپی، مورد جرم انگاری قرار گیرد (همان، ۱۰۸). مطابق با اصل ضرر، تنها موردی که دولت و جامعه حق مداخله در امور زندگی و آزادی دیگران را دارد و می تواند در مورد دیگران اجبار و زور به کار برد، وقتی است که با آن مداخله بخواهد جلوی آسیب و ضرر دیگران را بگیرد. چنانچه در جرم مطلق بدون نتیجه مجرمانه، قانون گذار عمل را جرم دانسته و عنصر معنوی آن را که سوء نیت است لحاظ نمی کند، تا به آزادی و امنیت جامعه آسیب و ضرر ایجاد نشود (نجفی توانا، ۱۵۲: ۱۳۹۲). به عنوان مثال، فقره ۵ ماده ۱۳۴ کد جزا، به بیان اهداف مجازات ها پرداخته و یکی از این اهداف را جبران آسیب های وارده

به جامعه و قربانی جرم است. در واقع هدف مقنن جلوگیری از ارتکاب جرم است که باعث ایجاد صدمه و ضرر بر جامعه و فرد متضرر می شود.

بخش پنجم: ویژگی های جرایم مطلق

بند اول: مطلق بودن

نخستین ویژگی جرایم مطلق، مطلق بودن آن است. برای تحقق این نوع از جرم، هر چند ظهور فعل مادی شرط است؛ ولی مجازات جرم مطلق همیشه منوط به نتیجه‌ی که مجرم برای اخذ آن تلاش کرده است نیست. گاهی اساساً قصد جرمی قابل تحقق نیست (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۱۴). گاه علی رغم تلاش محکوم علیه بنا به عوامل که خارج از اراده‌ی او است از تلاش خود نتیجه نمی گیرد؛ در همه‌ی این موارد جرم را کامل دانست. جرم وقتی کامل نامیده می شود که مراحل چهارگانه‌ی جرم خویش را تکمیل نماید. با این همه، برخی از جرایم جدا از نتیجه‌ی زیان بار احتمالی آنان کامل به شمار می آید؛ این نوع جرایم را اصطلاحاً جرایم مطلق یا صوری اطلاق می گویند؛ که در برابر جرم مقید قرار داد. جرم را از این نظر مطلق می نامند که در توصیف مجازات، اخذ نتیجه‌ی زیان بار منظور نشده است. به عنوان مثال، قانون گذار در مواردی چون جعل اسناد، جعل مروج پول به نتایج حاصله از آن توجهی ندارد. یعنی عمل محکوم علیه را صرف نظر از نتایج آن مورد نظر قرار داده و مرتکب را مستوجب مجازات می داند. بنا براین صرف ساختن سند یا تقلب اسعار، هر چند که از سند جعلی یا اسناد تقلبی استفاده نماید جرم شناخته شده و مستوجب جزا است (گلدوزیان، ۳۸۹: ۱۳۸۴). به عقیده حقوق دانان جزایی، نباید منتظر حصول نتیجه مجرمانه شد، زیرا که در حصول نتیجه جامعه از آن متضرر می شود؛ لازم است مقررات جزایی به اجراء در آید، و مرتکب جرم، جزای خود را ببیند. از این رو صرف تحقق رفتار فیزیکی برای اعمال ضمانت اجرای جزایی جرایم مطلق کفایت می کند.

بند دوم: غیر قابل گذشت

ویژگی دوم جرایم مطلق، اکثراً غیر قابل گذشت می باشد. مقنن گاهی به لحاظ کم اهمیت دادن حیثیت عمومی جرم، و گاهی به خاطر رعایت مصالح و منافع خانوادگی و جلوگیری از لکه دار شدن حیثیت افراد، و بالاخره در بعضی موارد بنا به ملاحظات سیاسی و اقتصادی تعقیب دعوای عمومی را به مطالبه متضرر از جرم مشروط کرده است؛ و به مراجع جزایی اجازه

نمی‌دهد که بدون تقاضای متضرر از جرم متهم را تحت تعقیب و فرایند عدلی قرار دهند؛ این جرایم را اصطلاحاً جرایم قابل گذشت می‌نامند (جمعی از نویسندگان، ۶۵: ۱۳۹۸).

تعریف صریح از جرایم غیر قابل گذشت و قابل گذشت در قوانین افغانستان نیامده؛ اما می‌توان گفت، که با شکایت متضرر از جرم، تعقیب آن شروع، و با گذشت متضرر، تعقیب رسیدگی و یا اجرای حکم متوقف می‌شود. در تدابیر جزایی افغانستان به صورت محدود جرایم قابل گذشت پیش بینی شده است. برای مثال، در دعاوی بین خانوادگی، موضوع ماده (۶۳) قانون اجراآت جزایی و جرایم علیه مقامات عالی رتبه دولتی موضوع ماده (۶۱) قانون فوق، و متضرر واقع شدن نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان موضوع فقره ۲ ماده (۶۰) و فقره ۳ ماده (۱۷۱) قانون مذکور، این موارد را از جرایم قابل گذشت تلقی شده است. فقره ۳ ماده (۷۲۲) کود جزا نیز در باره خیانت فروشنده به خریدار یا بر عکس، در مورد جنس فروخته شده یا قیمت آن، تعقیب دعوای جزایی را مشروط به شکایت شاکی دانسته است؛ و این دو مورد را نیز از جرایم قابل گذشت شناخته است. اما جرایم غیر قابل گذشت را می‌توان به جرایم علیه میراث فرهنگی و تاریخی در فصل ششم از باب نهم کتاب دوم کود جزا اشاره نمود.

بند سوم: بدون قربانی مستقیم و فقدان خسارت ظاهری

قربانی شخصی است که در اثر عملیات مجرمانه متحمل خسارت مادی، روحی روانی و یا جسمی گردیده، و یا در معرض خطر واقع شده، و یا به یکی از حقوق اساسی او لطمه وارد گردیده است (حاجی ده آبادی، ۹۸: ۱۳۸۵). حقیقت این است که هیچ جرمی بدون قربانی وجود ندارد؛ چرا که همه جرایم خواه ناخواه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم دارای قربانی هستند. کسانی که از جرایم بدون قربانی یاد می‌کنند، مراد آن‌ها جرایم است که قربانی مستقیم ندارد. اکثراً جرایم مطلق دارای قربانی مشخص و معین نمی‌باشد؛ چرا که مقنن بدون در نظر گرفتن نتیجه مجرمانه این رفتار را جرم انگاری کرده تا از ایجاد ضرر و زیان احتمالی جلوگیری کند. تا زمانی که قربانی مشخص و معینی وجود نداشته باشد، نمی‌توان برای آن جرم ضرر و زیانی متصور بود. در نتیجه اکثر این جرایم خسارت ظاهری و آشکارای را وارد نمی‌کنند؛ خسارتی که از این ناحیه به جامعه وارد می‌شود، غیر مستقیم بوده و در هر حال تشخیص آن بسیار دشوار است. به عنوان مثال: مطابق ماده ۸۱۴ کود جزا، انداختن مواد سمی و

مکروبی در چاه یا مخزن آب جرم است، در صورتی که به گونه مستقیم به کسی ضرر وارد نکند از نظر نتیجه مجرمانه، جرم مطلق می‌باشد؛ در صورتی که شخصی مواد سمی یا مکروبی را به چاه آب آشامیدنی یا مخزن آب بیندازد، و مستقیماً کسی متضرر نشود، و قربانی نیز معلوم نمی‌شود که چه کسی است؛ زیرا با استفاده آب که، در چاه سمی ریخته شده است قاعدتاً به مرور زمان باعث ایجاد امراض می‌شود و معلوم کردن قربانی این نوع جرایم مشکل به نظر می‌رسد.

بند چهارم: تشدید مجازات

گاهی اوقات شرایط و اوضاع و احوال به گونه‌ای است که اقتضا می‌کند در مجازات افراد مرتکب جرم، با دقت بیشتری برخورد کرد. یعنی عوامل مختلف در ارتکاب جرم پدیدار می‌شود که ناخودآگاه قانون‌گذار را، به عکس العمل شدیدتری و می‌دارد. احوال مشدده جزای نظر به ارتکاب جرم، مجرم شکل می‌گیرد. مقنن افغانستان در ماده (۲۱۸) کود جزا حالات تشدید مجازات جرم را مشخص نموده است. حالاتی همچون: ارتکاب جرم با انگیزه دنی یا منحنط، ارتکاب جرم با استفاده از ناتوانی جسمی و یا روانی مجنی علیه، ارتکاب جرم طور وحشیانه، یا مثله نمودن مجنی علیه، ارتکاب جرم از طرف مؤلف خدمات عامه با استفاده از موقف وظیفوی یا نفوذ و سایر موارد که در این ماده ذکر شده است.

طوری که دیده می‌شود، جهات تشدید مجازات در قانون مشخص شده است. این بدان معناست که نباید قاضی به غیر از این حالات که شکل عام و یا خاص در هر جرم ذکر شده است مجازات را تشدید کند. از جانب دیگر، این حالات که در قانون تصریح شده است؛ برخی متوجه مرتکب جرم، مانند داشتن انگیزه دنی و منحنط، مثله کردن مجنی علیه و یا برخورد وحشیانه می‌باشد؛ برخی دیگر مربوط قربانی جرم می‌شوند. مانند: عجز و ضعف جسمی یا روحی روانی مجنی علیه؛ و برخی دیگر هم مربوط به موقف وظیفه ای اشخاص می‌باشد. مانند: ارتکاب جرم از طرف مؤلف خدمات عامه (رسولی، ۵۸۲: ۱۳۹۶).

با توجه به این که بیش‌ترین مصداق‌های جرایم مطلق، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی می‌باشد. این جرایم نسبت به سایر جرایم بیش‌ترین تأثیر را بر نظم و امنیت عمومی می‌گذارد. و اصولاً موجب بی‌اعتمادی عمومی نسبت به قدرت و دولت در کنترل نا امنی، و به تبع آن

ضعیف شدن پایه‌های قدرت و حاکمیت سیاسی، و در نتیجه آن سقوط نظام سیاسی یک کشور می‌شود. قانون‌گذار همواره شدیدترین مجازات‌ها را برای جرایم علیه امنیت پیش‌بینی نموده است. و حتی در بعضی از کشورها که مجازات اعدام لغو شده است استثنائاً در مهم‌ترین جرایم علیه امنیت ملی هنوز مجازات اعدام به چشم می‌خورد. مثلاً: در انگلستان جزای اعدام را برای دو جرم خیانت به کشور، و سرقت دریایی حفظ نموده است (عالی‌پور، ۵۱: ۱۳۸۹).

بخش ششم: مهم‌ترین مصادیق جرایم مطلق و مجازات آن‌ها

بند اول: جرایم علیه دولت، امنیت و مصونیت عامه

در تحلیل عنصر مادی جرایم، یکی از مواردی که مورد توجه قرار می‌گیرد؛ موضوع «نتیجه رفتار مجرمانه» است. سوال اساسی که در تحقق کامل رفتار مجرمانه، در جرایم علیه دولت، امنیت و مصونیت عامه تحقق نتیجه مدّ نظر شرط می‌باشد؟ یا صرف انجام اعمال مجرمانه در تحقق کامل عنوان مجرمانه کفایت می‌نماید؟

در خصوص جرایم علیه امنیت عامه، وضعیت به گونه‌ای است که به عقیده حقوقدانان جزایی، نباید منتظر حصول نتیجه مجرمانه شد؛ چرا که در حصول نتیجه، امنیتی باقی نخواهد ماند تا در سایه آن مقررات جزایی به اجراء درآید، و مرتکب جرم جزا ببیند. از این رو صرف تحقق رفتار فزیکی برای اعمال ضمانت اجرایی جزایی کفایت می‌کند. در اکثر موارد جرایم علیه امنیت عامه، مقنن با پیش‌بینی رفتار فزیکی بدون در نظر گرفتن نتیجه آن، عناوین مجرمانه را پیش‌بینی می‌کند. در ادامه به بیان مواردی از مصادیق این جرایم در کود جزا افغانستان به صورت کوتاه اشاره می‌نمایم.

الف) جرم خیانت ملی

صدماتی که کشورها در طول تاریخ از خیانت ملی برخی از اتباع خود دیده‌اند، در اتخاذ این سیاست جزایی شدید بی‌تأثیر نبوده است. اگر در مورد ارتکاب بعضی از جرایم، هم‌چون سرقت، وضعیت متهم از حیث فقر یا ثروت، و یا از حیث بیکاری، در میزان مجازات بتواند اثرگذار باشد؛ اما در خصوص خیانت ملی مقنن به این شاخصه‌ها توجه نمی‌کند. زیرا چنین جرایمی ثبات یک کشور را زیر پرسش برده و پایه‌های حکومت‌ها را تضعیف می‌نماید (رحمدل، ۱۷۶: ۱۳۹۴).

پروفسور گارو، در تعریف خیانت چنین می نویسد: «خیانت به کشور عبارت است از سوء قصد بر ضد امنیت کشور به وسیله ایجاد ارتباط با کشور دیگری که دارای سلطه و استقلال است؛ مساعدت‌هایی که متهم به خارجی می کند ممکن است جنبه‌های نظامی یا سیاسی داشته باشد، یا در زمان صلح یا جنگ به عمل آید» (رحیمی، ۱۳۹۳).

در قوانین بعضی کشورها عنصر تابعیت وجه ممیزه جرم خیانت و جرم جاسوسی قرار گرفته است؛ بدین معنی که جرایم بر ضد امنیت خارجی، اگر از سوی اتباع کشور صورت گیرد، خیانت به کشور محسوب می شود؛ و چنانچه از سوی بیگانگان باشد جاسوسی به حساب می آید (علی آبادی، ۱۰۶: ۱۳۷۳). در قانون مجازات فرانسه مصوب (۱۸۱۰ م) قید فرانسوی بودن برای تحقق جرم خیانت ملاحظه می شد. هم چنین در حقوق آلمان جرم خیانت تنها به تبعه یک کشور محدود می شود؛ و چنانچه شخص بیگانه‌ای مرتکب کشف اسرار و تسلیم آن‌ها به کشور خارجی گردد، جاسوس نامیده می شود (همان، ۱۴۹).

در کود جزای افغانستان جرم جاسوسی و خیانت به کشور از هم دیگر تفکیک شده اند و در ماده (۲۳۸) مصادیق خیانت به کشور بیان شده است که عبارت اند از:

- «عملی که در نتیجه آن اراضی دولت جمهوری اسلامی افغانستان تماماً یا قسماً تحت حاکمیت دولت خارجی یا نیروی مسلح مخالف دولت قرار گیرد، یا استقلال کشور را به مخاطره اندازد؛
- عملی که در نتیجه آن تمام یا قسمتی از اراضی تحت حاکمیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان از اداره آن خارج شود؛
- تسلیم نیروهای تحت امر به دشمن؛
- واگذاری تأسیسات، دیپوی اسلحه و مهمات، وسایل نظامی، ذخایر مواد ارتزاقی یا استحکامات متعلق به نیروهای نظامی به دشمن به منظور مساعدت آن‌ها، یا فراهم سازی تسهیلات برای ورود دشمن به کشور؛
- جمع آوری معلومات حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، به منظور تسلیم دهی آن به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشتگان آن‌ها؛

- استخدام اشخاص، تهیه اموال یا تجهیزات نظامی برای دولت خارجی در حال جنگ با دولت جمهوری اسلامی افغانستان، یا منازعه مسلحانه با دولت جمهوری اسلامی افغانستان؛

- قیام مسلحانه نیروهای نظامی علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان؛
- سرقت، تلف یا تزویر اسناد حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور؛
- پیوستن به قوای مسلح دولت خارجی یا گروه مسلح در حال جنگ یا منازعه مسلحانه با جمهوری اسلامی افغانستان؛

- قیام مسلحانه یا توطئه علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور گرفتن قدرت دولتی؛

- افشای اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور به اشخاص یا دولت خارجی، یا شخصی که به نفع آن‌ها کار می‌کند؛ یا به گروه‌های مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان؛

- عدم اطلاع از معلوماتی که هدف آن ارتکاب جرایم مندرج اجزای ۱ تا ۸ این ماده بوده و شخص حکم قانون به کشف آن مؤظف و یا به نحوی دیگری به افشای آن مکلف باشد، به مراجع مسؤول».

طوری‌که دیده می‌شود مقنن جزایی افغانستان مصادیق قابل وضوحی را به خاطر حفظ اراضی، نظامی، دفاعی و امنیتی کشور خویش تحت عنوان جرم خیانت به کشور، جرم انگاری نموده است و اکثراً مصداق جرم مطلق می‌باشد و نیازی به احراز نتیجه جرمی ندارد. و مقنن جزایی در مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ برای مرتکبین چنین جرایمی حسب احوال ارتكابی جرم شان حبس دوام درجه ۲ (۱۶ تا ۲۰) و طویل (۵ تا ۱۶) سال را در نظر گرفته است.

(ب) جرم جاسوسی

ابن منظور می‌نویسد: الجس: المس بالید؛ جس، یعنی لمس نمون چیزی با دست. تجسس (باجیم) تفتیش از باطن کارهاست و بیشتر به امور شرّ و بد گفته می‌شود و جاسوس دارنده اخبار و اسرار شرّ آمیز است (ابن منظور، ۳۶: ۱۳۶۳). در لفظ کلمه تجسس، قراء اختلاف دارند؛ بعضی آنرا به «جیم» (لاتجسسوا) و بعضی آنرا به «حا» (لا تحسسوا) تلفظ می‌کنند.

نمایند. ابن کثیر در تفسیر خویش می‌نویسد: «این دو با هم متفاوت می‌باشند، تجسس غالباً اطلاق آن بر چیز شرّ می‌باشد؛ یعنی کسی در کار کس دیگری جاسوسی کند. اما تحسس غالباً اطلاق آن بر کار خیر می‌باشد. چنانچه خداوند در حکایت از سخن یعقوب می‌فرماید: «بروید ای پسران من! و از یوسف و برادرش تحسس کنید». اوزاعی می‌گوید: تجسس، یعنی جستجو کردن در کاری می‌باشد؛ و اما تحسس، گوش کردن به سخن مردم که از آن کراهت دارند (ابن کثیر: ۱۴۲۰).

لغت شناسان فارسی نیز معنای نزدیک به معنای عربی برای واژه جاسوس گرفته اند؛ فرهنگ امید می‌نویسد: جاسوس در لغت به معنی خبر کش، جستجو کننده خبر، کسی که اخبار، اسرار شخصی، اداری یا مملکتی را به دست بیاورد و به دیگری اطلاع دهد، می‌باشد (عمید، ۳۴۶: ۱۳۸۵). برخی از حقوق دانان در تعریف جاسوسی گفته اند: «جاسوس به شخصی اطلاق می‌شود، که در تحت عناوین غیر واقعی و مخفیانه و به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعات یا اشیایی باشد» (گلدوزیان، ۳۴۶: ۱۳۸۵). دیگری می‌نویسد: «جاسوس به شخصی اطلاق می‌گردد، که در پوشش‌های متقلبانه یا مخفیانه و به نفع دشمن در صدد تحصیل و تجسس، پیرامون اسرار یا تحصیل اطلاعات یا اشیاء یا سایر مدارک و اسناد مربوطه به استعداد و توانائی‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی مربوط به یک کشور و انعکاس آنها به کشور دشمن باشد» (ولیدی، ۴۵: ۱۳۸۵). از نظر حقوق بین‌الملل عمومی جاسوس به کسی اطلاق می‌شود که به صورت محرمانه یا تحت عنوان‌های نادرست و جعلی به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعاتی از نقشه و قوای طرف و مقاصد او برآید (لنگرودی، بی‌تا: ۱۱۴۵).

مقنن جزایی افغانستان تعریف مشخصی از جرم جاسوسی بیان ننموده است؛ اما در ماده (۲۴۰) کود جزا به ذکر مصادیق آن پرداخته است و شرط تحقق آنرا اتباع خارجی یا اشخاص بدون تابعیت می‌داند. و مرتکب یکی از اعمال زیر را جاسوس قلمداد نموده است.

- تسلیم دهی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشتگان آنها؛

- سرقت یا جمع آوری معلومات حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، به منظور تسلیم‌دهی آن به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشتگان آن‌ها؛
- جمع آوری یا تسلیم‌دهی معلومات به دستور اطلاعات و استخبارات دولت خارجی که از آن علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان سوءاستفاده به عمل آمده بتواند؛

طوری‌که مشخص شده است مقنن جزایی افغانستان با همان رویکرد قبلی خویش درخصوص جرم خیانت به کشور، به‌خاطر حفظ اسرار نظامی، دفاعی و امنیتی کشور خویش و یا حتی سرقت نمودن چنین اسراری مطلقاً جرم انگاری نموده و حسب احوال برای مرتکبین تسلیم‌دهی اسرار نظامی (فقره ۱) در ماده (۲۴۰) مجازات حبس دوام درجه ۲ را در نظر گرفته است؛ و هم-چنان در خصوص سرقت یا جمع آوری (فقره ۲) مجازات حبس دوام درجه ۱ (۲۰ تا ۳۰) سال را معین نموده است.

بند دوم: جرم مطلق در حوزه جرایم علیه اموال و مالکیت

جرایم علیه اموال، رفتارهایی ضد اجتماعی است که با ارتکاب آن‌ها به حقوق و مصالح مالی و دارای ارزش اقتصادی شخص دیگر تجاوز یا در معرض تهدید واقع می‌شود. این حقوق شامل هر حقی می‌باشد که دارای ارزش اقتصادی است و در بازار معامله و دادو ستد می-شود (کریمی، ۱۷: ۱۳۹۸). جرایم علیه اموال و مالکیت که مصداق جرم مطلق محسوب می-گردد در کود جزای افغانستان به جرایم بیرون ساختن غیر قانونی آثار تاریخی و فرهنگی از موزیم، قاجاق آثار تاریخی می‌توان اشاره نمود.

الف) خارج ساختن غیر قانونی آثار تاریخی یا فرهنگی از موزیم
آثار فرهنگی - تاریخی به اموالی گفته می‌شود که نشان‌گر تحول حیات و هویت فرهنگی- تاریخی، یا وقوع وقایع تاریخی در دوره‌های خاص باشد و به نحوی از انحاء گوشه‌ای از حرکت تاریخی فرهنگی انسان را در مقیاس ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی نشان می‌دهد. یا نشان‌گر ظهور حیات و انقراض تمدن‌های تاریخی بوده و از محوطه‌های باستانی واقع در

خشکی یا بستر دریاها، در اثر حفاری علمی یا علل دیگر کشف شود (نصیرزاده و عبداللهی، ۱۳۸۸: ۴۶).

استفاده یا به نمایش گذاشتن آثار تاریخی و فرهنگی باید منظم باشد، و در چارچوب قانون مشخص از آثار باستانی کشور بهره‌گیری صورت گیرد؛ و هر کس به هر بهانه و هدفی اجازه ندارد که اثر تاریخی یا فرهنگی را از محل نگه‌داری آن بدون جواز مرجع با صلاحیت‌دار خارج کند. لذا برای دست‌یابی به هدف فوق، قانون‌گذار افغانستان در ماده (۷۳۵) کود جزا خارج کردن اثر تاریخی یا فرهنگی را از محل نگه‌داری بدون اجازه مرجع صاحب صلاحیت به هر بهانه که باشد جرم دانسته و برای مرتکب جرمی آن حبس متوسط تا دو سال را در نظر گرفته است.

ب) قاچاق اثر تاریخی یا فرهنگی

قاچاق اثر تاریخی یا فرهنگی در حجم وسیعی صورت گرفته نمی‌تواند؛ که بتوان به راحتی با آن مبارزه کرد. در حالی که قاچاق کالاها به صورت ترانزیتی و چشم‌گیر می‌باشد. قاچاق اثر تاریخی یا فرهنگی با ظرافت‌های خاصی صورت می‌گیرد (همان، ۵۶). و به همین لحاظ مقنن افغانستان این جرم مطلق دانسته و به جرم انگاری آن پرداخته است. مقنن در فقره ۱ ماده (۷۳۶) کود جزا این ماده بیان می‌دارد: «شخصی که به صورت غیر قانونی اثر تاریخی یا فرهنگی را خرید، فروش، عرضه، تقاضا، نگهداری، انتقال، حمل و نقل، پنهان، کمیشن‌کاری یا از کشور خارج نماید؛ حسب احوال به حبس متوسط یا طویل محکوم می‌گردد». این ماده، مواردی از رفتار مادی جرم علیه اثر تاریخی و فرهنگی را جرم انگاری نموده و به صورت عام، هر گونه تصرف غیر مجاز در اثر تاریخی را منع نموده است؛ طوریکه در فقره فوق دیده می‌شود؛ مواردی هم چون عرضه و تقاضا، نگهداری و پنهان کردن و کمیشن‌کاری را مصداق‌های جرم مطلق در آثار تاریخی و فرهنگی دانسته است.

بند سوم: جرایم مطلق در حوزه جرایم فساد اداری

فساد کلمه عربی است و از مصدر (فسد، یفسد و فساد، فسودا) به معنی خرابی، خروج هر چیز از حالت طبیعی و صحیح آن و ضد صلاح (درستی، راستی) به کار رفته است (ابن منظور، ۳۳۵: ۱۴۰۵). هم‌چنین در فرهنگ لغت عربی واژه فسد به معنی خلاف مصلحت بر می-

گردد و جمع مفاسد است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۲۱). فاسد و مفسد اسم فاعل هر یک از آن‌ها را تشکیل می‌دهد؛ در آیه ۱۱ سوره بقره هر دو واژه از ریشه فساد و صلاح به کار رفته است؛ آنجا که در بیان خصوصیات منافقان می‌فرماید: «و اذا قيل لهم لا تفسدو فی الارض قالوا انما نحن مصلحون» و چون به آنان گفته شود در (این) سرزمین فساد نکنید، گویند ما که اهل صلاحیم. همچنین آیه ۱۲ سوره بقره در جواب ایشان می‌فرماید: «الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون»: بدانید که ایشان اهل فسادند ولی خود نمی‌دانند.

مقنن جزایی افغانستان تعریف مشخصی از فساد اداری را بیان ننموده است اما مصداق‌های آنرا ذیل باب (جرایم فساد اداری و مالی) بیان نموده است؛ که بیان‌گر امر مبارزه با فساد اداری می‌باشد. مواردی هم چون رشوه، اختلاس، سوء استفاده از نفوذ، سوء استفاده از وظیفه یا موقف، افزایش غیر قانونی دارایی، جرایم انتخاباتی، تزویر، اخاذی و رویه سوء مؤلفین خدمات عامه، شکنجه، انتحال و ظایف و القاب، شکستادن مهر و سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی را مهم‌ترین جرایم فساد اداری و مالی می‌داند.

الف) رشوت

به نظر برخی از حقوق‌دانان رشوت عبارت از توافق بین شخص و مؤلف خدمات عامه یا فردی در حکم آن، برای گرفتن پول یا فایده در مقابل انجام عمل یا امتناع از عملی که داخل در وظیفه رشوت گیرنده یا مأموریت او است (غلامی، ۱۳۹۹: ۸۸). جرم رشوت از لحاظ نتیجه جرم مطلق است؛ برای تحقق جرم رشوت ضروری نیست که مؤلف آن‌چه از او طلب می‌شود انجام دهد. و برای وقوع جرم، اتفاق بین دو طرف در آن کافی است (همان، ۱۰۱). مقنن جزایی افغانستان رشوت را در ماده (۳۷۰) کود جزا جرم انگاری، و این‌گونه تبیین نموده است: «هرگاه مؤلف خدمات عامه یا مؤلف دولت خارجی یا سازمان بین‌المللی یا بین‌الحکومتی یا مؤسسه غیر دولتی یا مؤسسه خصوصی که فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا تجارتي، یا سایر خدمات عامه را انجام می‌دهد، به منظور اجراء یا امتناع از وظیفه که به آن مکلف است یا به منظور احراز یا حفظ موقف مشخص به اسم خود یا شخص یا نهاد دیگری به شکل مستقیم یا غیر مستقیم پول، مال یا منفعت نا مشروع را اخذ، طلب یا وعده پرداخت آنرا بگیرد؛ یا به عنوان بخشش آنرا قبول کند؛ یا شخصی به مقاصد متذکره پول، مال یا منفعت نا مشروع را به شکل

مستقیم یا غیر مستقیم به اشخاص مذکور پیش کش (عرضه) نماید؛ یا وعده پرداخت آن را بدهد، عمل مذکور رشوت شناخته می‌شود».

مرتکب جرم رشوه، لازم است که موظف یا مکلف خدمات عامه دولتی یا خصوصی باشد، که صلاحیت انجام کاری یا امتناع از آن را داشته باشد؛ که این موضوع از نوآوری‌های کود جزا می‌باشد. چنانچه در قوانین سابقه نگاهی بیندازیم به نوعی سر درگمی نسبت به مرتکبین جرم رشوه مواجه بودیم. به هر حال کود جزا مرتکبین جرم رشوت را به طور مشخص تبیین نموده است. طوری که در ماده بیان گردیده است رفتارهای مجرمانه برای رشوت شامل طلب، اخذ یا قبول کردن و یا پذیرفتن وعده پرداختن، و یا قبول کردن چیزی به عنوان بخشش بیان داشته است و این اعمال به صورت مطلق جرم می‌باشد؛ خواه موظف خدمات عامه پول، مال یا منفعت را دریافت، و یا طلب و یا وعده دریافت آنرا نموده باشد مرتکب جرم رشوت شده و حسب احوال بر اساس قواعد جزایی محکوم به مجازات خواهد شد.

(ب) جرم اخاذی موظف خدمات عامه

اخاذی در لغت به معنای زورگیری، باج‌گیری، اخذ مال یا چیزی به زود و تهدید از دیگری می‌باشد (معین ۴۴: ۱۳۸۵). در اصطلاح به معنای گرفتن پول، مال، سند از مردم با جبر و تهدید می‌باشد (گرایلی، ۹: ۱۳۹۴).

اخاذی در ماده (۴۴۵) کود جزا به عنوان جرم سوءاستفاده از صلاحیت وظيفوی بیان شده که مقنن چنین بیان می‌دارد: «هرگاه منسوب نیروهای نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظيفوی در راه عام، شاهراه‌ها (بزرگ‌راه‌ها) و سایر محلات از مردم پول، مال یا منفعتی را خلاف قانون تقاضا یا اخذ نمایند، به حبس قصیر (سه ماه تا یکسال) محکوم می‌گردد». با توجه به ماده فوق، اخاذی از جمله جرایم مطلق محسوب گردیده و نیازی به نتیجه مجرمانه نمی‌باشد. به این معنی، هنگامی که منسوبین نیروهای نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه پول یا منفعتی را تقاضا نمایند جرم متحقق گردیده است؛ بدون اینکه پول یا منفعت مالی را اخذ کرده باشد.

نتیجه‌گیری

طوری که از تحقیق هذا مشخص گردید؛ جرم مطلق به عملی گفته می‌شود، که مقنن نفس عمل ارتكابی را جرم دانسته و مجازات آن را مشخص نموده است. در این نوع جرایم تحقق نتیجه مجرمانه خاص در نظر گرفته نمی‌شود. در مقابل آن جرم مقید قرار دارد که نیاز به حصول نتیجه مجرمانه مورد نظر مقنن می‌باشد. در مورد شروع به جرم مطلق، نظریه غالب این است که شروع به جرم در جرایم مطلق، مصداق ندارد. یعنی در جرایم مطلق با ارتكاب عمل مرحله شروع به جرم، خاتمه یافته و جرم تکمیل می‌شود. مطابق نظریه دیگر، شروع به جرم مصداق دارد؛ یعنی مرحله شروع به جرم قبل از ارتكاب عمل است و در فاصله زمانی میان ارتكاب عمل و حصول نتیجه که در جرائم مقید وجود دارد، در جرائم مطلق وجود ندارد. مقنن جزایی افغانستان بر اساس همین معیار و مبناء جرایم را از لحاظ نتیجه مجرمانه به مطلق و مقید تقسیم بندی نموده است؛ که بارزترین آن‌ها را می‌توان در حوزه جرایم علیه دولت، امنیت و مصونیت عامه، جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم فساد اداری اشاره نمود؛ جرم مطلق بر اساس اصول و مبانی حقوقی هم‌چون اصل پدرسالاری، اصل اخلاق‌گرایی، عدالت، مصلحت و اصل ضرر و حفظ نظم عمومی در جامعه استوار است. و به طور کلی دولت‌ها، برای استفاده از حقوق جزایی و مداخله در رفتارها و امور افراد جامعه، این اصول را به عنوان مبنای جرم انگاری قرار داده‌اند. اصولاً تمامی جرایم ویژگی‌های خاص خود را دارند؛ جرایم مطلق دارای ویژگی‌های همچون غیر قابل گذشتن بودن آن می‌باشد. همچنان جرایم مقید نیاز به اثبات رکن معنوی جرم دارد که اصولاً اثبات رکن معنوی دشوار پنداشته می‌شود؛ اما جرایم مطلق نیاز به اثبات رکن معنوی ندارد. یکی دیگر از ویژگی‌های جرایم مطلق، جنبه باز دارنده‌گی آن از حیث بدست آوردن نتیجه مجرمانه است؛ در این جرایم قانون‌گذار به صورت زود هنگام و قبل از رسیدن نتیجه جرمی، عمل ارتكابی را برای جلوگیری از نظم و امنیت جامعه جرم دانسته است.

منابع و مآخذ

الف- کتب

- قرآن کریم
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۲۰ هـ.ق). تفسیر ابن کثیر. بیروت: چاپ دوم، نشر دارالطیبه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۳). لسان العرب. قم: چاپ سوم، انتشارات آلاذب الحوزه.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی. چاپ بیستم، جلد اول، تهران: نشر میزان.
- اونا او و دیگران (۲۰۱۲). مبادی حقوق جزای عمومی افغانستان. چاپ دوم، پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان، دانشکده حقوق دانشگاه ستانفورد.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸). شرح کود جزا افغانستان بنیاد آسیا. کابل: انتشارات سعید.
- حبیبی، ضامن علی (۱۳۹۶). جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی در حقوق جزای افغانستان. چاپ دوم، کابل: نشر مقصودی.
- رسولی، محمد اشرف (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی افغانستان. چاپ اول، کابل: نشر سعید.
- زیدان، عبدالکریم (۱۳۸۹). الوجیز در اصول فقه. ترجمه، دکتر فرزاد پارسا، چاپ اول، سنج: نشر کردستان.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. جلد سوم، تهران: نشر مرتضوی.
- عالی پور، حسن (۱۳۸۹). جرایم ضد امنیت ملی. تهران: نشر خرسندی.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۳). حقوق جنایی. جلد اول، تهران: نشر فردوس.
- عمید، حسن (۱۳۸۵). فرهنگ عمید. تهران: چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). فلسفه حقوق. چاپ اول، جلد دوم، تهران: نشر شرکت سهامی.
- کریمی، عبدالوهاب (۱۳۹۸). حقوق اموال و مالکیت. جلد اول، کابل: نشر واژه.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵). بایسته های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳. چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵). حقوق جزای اختصاصی. تهران: چاپ دوازدهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- لنگردوی، محمد جعفر (بی تا). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
- معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ معین. چاپ اول، تهران: نشر مزدک.
- نبوی، نعمت الله (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی افغانستان. کابل: نشر واژه.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۴). حقوق جزای اختصاصی. تهران: چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- الیوت، کاترین و کوئین، فرانسیس (۱۳۹۱). حقوق جزا. ترجمه، اوا واحد نوایی و نسترن غضنفری، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

ب- مقالات

- اسداف، توفیق (۱۳۹۵)، «عدالت همه جانبه حاکم بر عدالت کیفر محور»، دوفصلنامه علمی- اختصاصی مطالعات تطبیقی حقوق بشر، سال اول شماره ۱، ص ۶۷-۱۰۰.
- بابایی، حسین و رضایی زادفر، بهناز (۱۳۹۳)، «جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دور اول، شماره ۱، ص ۲۱-۱.
- برهانی، محسن (۱۳۹۴)، «جرم انگاری حقوق بشر از اقتضائات صحیح اخلاقی تا خودمختاری»، مجله حقوق بشر، شماره ۱، ص ۱۲۰-۱۰۵.
- حاجی ده آبادی، احمد و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی مبانی ضرر در جرم انگاری تجاوز جنسی با رویکرد به فقه امامیه»، مجله پژوهش نامه حقوق کیفری. سال چهارم، شماره ۲، ص ۳۵-۶۵.
- حاجی ده آبادی (۱۳۸۵)، «از جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت»، مجله فقه و حقوق، شماره ۹، ص ۹۵-۱۲۱.

- رحمدل، منصور (۱۳۹۴)، «جاسوسی و خیانت به کشور»، مجله تحقیقاتی حقوقی آزاد، شماره ۲۸، ص ۲۰۰-۱۶۸.
- رمون، گسن (۱۳۷۹)، «آیا جرم وجود دارد؟»، ترجمه، علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۹ و ۳۰، ص ۱۰۲-۶۱.
- طرقي، محمد حسين (۱۳۹۰)، «بحثی پیرامون الفاظ مطلق و مقید»، ماهنامه کانون، شماره ۱۱۶، ص ۶۱-۴۶.
- گرایلی، محمد باقر (۱۳۹۴)، «تحلیل مبانی فقهی حقوق زورگیری»، مطالعات فقه سلامی و مبانی حقوق، شماره ۳۱، ص ۳۰-۵.
- فتحي، محمد جواد، رهدارپور، حامد (۱۳۹۱)، «ارایه معیار تشخیص جرایم نا تمام»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۶، شماره ۷۷، ص ۳۳-۹.
- گلستانی، غلام نبی (۱۳۸۶)، «ضرورت جرم زدایی از انحرافات»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۵-۳.
- منصور آبادی، عباس و فتحي، محمد جواد (۱۳۹۸)، «رفتار مجرمانه جعل و تزویر»، مجله حقوق و سیاست. سال دوازدهم، شماره ۲۸، ص ۳۰۰-۲۸۰.
- میرزایی برزی، هادی (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی جرم محال»، مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱۱۴، ص ۱۶۳-۱۴۱.
- نجفی توانا، علی و مصطفی زاده، فهیم (۱۳۹۲)، «جرم انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی. سال پنجم، شماره ۸، ص ۱۷۰-۱۴۹.
- نصیرزاده، بهناز و عبداللهی، محسن (۱۳۸۸) «بررسی حمایت کیفری از اموال فرهنگی در حقوق ایران»، دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، سال پنجم، شماره ۳، ص ۶۳-۴۵.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۴)، «پدرسالاری کیفری، مفهوم، انواع، مشروعیت و مصادیق آن در حقوق کیفری»، مجله حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ص ۶۷-۱۰۶.

ج- انگلیسی

- Nicholis (Colin) and else. Corruption and Misuse of public office - (oxford ۲۰۰۶)

د- قوانین

- نظامنامه جزای عمومی مصوب سال «۱۳۰۲» افغانستان.
- نظامنامه جزای عمومی مصوب سال «۱۳۰۷» افغانستان.
- قانون جزای مصوب سال «۱۳۵۵» افغانستان.
- قانون مدنی مصوب سال «۱۳۵۵» افغانستان.
- کود جزا مصوب سال «۱۳۹۶» افغانستان.

ه- سایت

- رحیمی، سید جعفر (۱۳۹۳)، «جاسوسی و خیانت به کشور»، سایت پژوهشکده باقرالعلوم، تاریخ استخراج، ۱۴۰۱/۴/۲۵، <http://pajoohe.ir>.